



مصطفی السباعی



عصام عطار



البیانونی



رهبان اخوان المسلمین سوریه

اخوان المسلمین به دلیل اختلاف ایدئولوژیک خود با ناصر، از جدایی مصر و سوریه و انحلال جمهوری متحده عربی حمایت کرد. بعضی از اعضای آن به افسران جدایی خواه سنی به رهبری عبدالکریم حملاوی پیوستند و ۱۰ کرسی در مجلس به دست آوردند. این موفقیت زمان کوتاهی به طول انجامید و پس از قدرت یافتن حزب بعث در مارس ۱۹۶۳، اخوان به شدت سرکوب شد. عصام عطار، رهبر جدید اخوان تبعید و ناچار شد با موقعیتی کم و بیش گروه را از خارج رهبری کند.

در اواسط دهه ۱۹۶۰، اخوان به رقیب بلامنازع حزب بعث تبدیل شد، هرچند که عطار به دلیل مخالفت با جهاد مسلحانه علیه رژیم از سایر رهبران جدا شد. عطار به عنوان فردی که به شدت به اصلاح معتقد بود، نمی توانست خشونت انقلابی را بپذیرد. با وجود این در ۶۵-۱۹۶۴، در اثر قیام حماء و مبارزه اخوان المسلمین به رهبری شیخ حنیفه برای سرپیچی از اوامر دولت، رویارویی شدت گرفت. هنگام بروز شکاف درونی میان نهاد های سیاسی و نظامی حزب بعث اخوان المسلمین نتوانست نقش مؤثر و قاطعی در جریان مبارزه قدرت میان حافظ اسد و صالح جدید بازی کند.

صالح جدید در کنگره سراسری حزب بعث در اکتبر ۱۹۷۰ کوشید اسد را از وزارت دفاع برکنار کند، اما حافظ اسد با کودتایی بدون خون ریزی در ۱۶ نوامبر ۱۹۷۰ کنترل اوضاع را به دست گرفت. در نتیجه این کودتا، صلاح جدید و نورالدین آتاسی از نخست وزیری و ریاست جمهوری و نیز مناصب حزبی برکنار و زندانی شدند و دولت تازه ای به نخست وزیری حافظ اسد تشکیل شد. ۴ ماه بعد، در ۱۲ مارس ۱۹۷۱، اسد به ریاست جمهوری سوریه انتخاب شد. او همه فعالیت های سیاسی را از طریق فرماندهی منطقه ای حزب بعث در انحصار خود درآورد.

یکی از چالش های حافظ اسد در عرصه داخلی، مبارزه اخوان المسلمین سوریه با نظام بعث حاکم بود. تدوین قانون اساسی سکولار در ۱۹۷۳، پیوستن به فرآیند صلح پس از جنگ در همان سال و مداخله در لبنان به نفع مارونی ها و ضد گروه های فلسطینی، مهم ترین اقدامات حافظ اسد بود که مخالفت و اعتراض اخوان المسلمین سوریه را برانگیخت. در همین حال اخوانی های سوریه نیز در قبال قدرت یابی حزب بعث، ۲ روش را برای مشارکت در قدرت به کار بست. روش مسالمت آمیز یا اصلاح طلبانه و روش جهادی. معتقدان به روش اول به دنبال تصاحب قدرت به صورت قانونی بودند و تلاش داشتند تا با اتخاذ تاکتیک های اخوانی های مصر و ترکیه به تدریج فضای سیاسی را برای خود باز کنند و قدرت را به دست بگیرند. دسته دوم که معتقد به روشی جهادی برای مقابله با

حزب بعث بودند تلاش کردند تا با برجسته کردن علوی بودن حافظ اسد به تحریک اهل سنت سوریه بپردازند و بستر را برای سقوط حزب بعث آماده کنند.

اخوان و مداخلات خارجی در سوریه

بعد از آن که حسن البکر و صدام حسین با کودتایی مجدد حزب بعث را در عراق به قدرت رسانیدند، با این که حاکمان هر دو کشور عراق و سوریه از نظر ایدئولوژیک بعثی بودند، ولی برای رهبری جهان عرب با یکدیگر رقابت داشتند. به ویژه بعد از امضای کمپ دیوید و منزوی شدن سادات در جهان عرب، این رقابت شدیدتر شد. انقلاب اسلامی در ایران و آغاز جنگ عراق با ایران، موجب شده بود که صدام حسین خود را در بین اعراب سنی قهرمان و خاکریز مقدم جلوگیری از سرایت انقلاب اسلامی و نفوذ ایران شیعه در منطقه قلمداد کند و حال آن که حافظ اسد برای تضعیف موقعیت رقیب خود صدام و دلایل دیگر از ایران در جنگ با عراق حمایت می کرد. در چنین شرایطی نگرانی و دغدغه سلفی های عربستان سعودی، اردن، شیوخ کویت و دیگر شیخ نشین های خلیج فارس از نفوذ روزافزون جمهوری اسلامی ایران در بین شیعیان لبنان و ایجاد محور لبنان - سوریه - ایران موجب شد که آن ها اخوان المسلمین سوریه را در خفا تحریض و تجهیز به شورش بر علیه حافظ اسد کنند. گروه های جهادی اخوان المسلمین در سوریه در شهر های حلب و ادلب که دومقرمهم اهل سنت سوریه محسوب می شود قیام کردند و تلاش داشتند تا به همکاری اهل سنت دمشق دولت مرکزی را ساقط کنند. همچنین آنان با پی ریزی طرحی نافر جام ترور حافظ اسد را طرحی کردند. پس از این به دلیل مجموعه عملیات جهادی از سوی دسته دوم اخوان المسلمین در سوریه و به دنبال سوء قصد به حافظ اسد از جانب اخوانی های سوریه، بهانه برای سرکوب شدید اخوان المسلمین در مناطق سنی نشین سوریه آغاز شد. حافظ اسد با تمام قوا این دسته را سرکوب کرد.

در این وقایع نیروهای وابسته به گروهان های دفاع، "سرایا الدفاع" به رهبری ژنرال رفعت اسد با قدرت تمام شورش را سرکوب کرد. گفته شد که ۲۰-۳۰ هزار نفر در این وقایع کشته شدند. در زمان وقایع سرکوب اخوان المسلمین در حماء، عبد الحلیم خدام وزیر خارجه و معاون رئیس جمهور بود. عبد الحلیم خدام در یک دوره انتقالی بعد از فوت حافظ اسد به مدت ۶ هفته کفیل ریاست جمهوری بود. خدام اینک یکی از هماهنگ کنندگان مخالفان بشار اسد است. او سنی و با جناق رفیق حریری لبنان و ملک عبد... پادشاه عربستان است که در سال ۲۰۰۵ به فرانسه پناهنده شد و در

سلک مخالفان خانواده اسد درآمد. با حمایت نکردن اصلاح طلبان اخوان المسلمین از دسته های جهادی و حمایت نشدن تمام طوایف سنی از جمله اهل سنت دمشق و سرکوب قدرتمند دولت مرکزی، این قیام کنترل شد. بعد از این اقدام حافظ اسد فعالیت همه احزاب سیاسی به غیر از حزب بعث را ممنوع اعلام کرد و فعالیت سیاسی گروه ها و احزاب دیگر به شدت کنترل شد. حتی عضویت در جنبش اخوان المسلمین مجازات اعدام داشت.

بشار و افول اندیشه بعثی در سوریه

حافظ اسد، پدر بشار اسد که از ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ قدرت اول در سوریه بود، یکی از رهبران باهوش و قدرتمند جهان عرب به شمار می رفت. پس از او فرزندش که یک پزشک و دارای تخصص چشم پزشکی از دانشگاهی در لندن است به دبیر کلی منطقه ای حزب سوسیالیستی و عربی بعث و ریاست جمهوری سوریه و فرماندهی کل ارتش انتخاب شد. واقعیت این است که بشار اسد جاه طلبی سیاسی نداشت و بیشتر علاقه مند به آموزش زندگی شخصی اش در لندن بود. حافظ اسد از مدت ها قبل پسر ارشد خود "باسل" را برای جانشینی خود در نظر داشت و او را برای این کار تعلیم و پرورش می داد. با این حال مرگ ناگهانی باسل موجب شد بشار از لندن فراخوانده شود و به منظور آمادگی برای مسئولیت های غیر مترقبه به ارتش برود.

بعد از مرگ حافظ اسد، جانشین وی بشار اسد با درک ضرورت های جامعه سوریه تلاش کرد تا با اصلاحاتی در حزب و آرمان های آن زمینه را برای فعالیت مسالمت آمیز و قانونی گروه های مختلف آماده کند. وی زندانیان سیاسی را آزاد کرد، فعالیت دیگر احزاب و گروه های سیاسی را با مانع دید و تلاش داشت با ایجاد اصلاحاتی زمینه را برای رقابت بدون خشونت گروه ها در سوریه مهیا کند. این اقدامات رئیس جمهور جوان سوریه بازتاب های جهانی داشت تا جایی که سال ۲۰۰۰ یعنی سال نخست ریاست جمهوری بشار اسد به خاطر این اصلاحات به بهار دمشق معروف شد. با این حال مسیر اصلاحات در سوریه ادامه پیدا نکرد و ساخت سیاسی قدرت که در اختیار حزب بعث بود با مقاومت در مقابل اصلاحات اسد جوان تلاش کرد تا سلطه بلا منازع خود را حفظ کند. روی کار آمدن دولت شیعه در عراق و شکل گیری آن چه ملک عبد... اردن آن را هلال شیعی می نامد، در کنار تحولات اخیر در خاور میانه عربی و قدرت یابی جریان های اخوانی منطقه، بار دیگر دور جدید رقابت اخوانی -

بعثی را فضای سیاسی سوریه احیا کرده است. رقابت میان دو ایده سنتی برای حاکمیت در دوران مدرن.

۱- تاریخ نگاران بعثی، بنیان گذار اصلی حزب بعث را میشعل علق می دانند. علق پس از گذراندن دوره تحصیلات عالی خود در دانشگاه سوربن پاریس به سوریه بازگشت و با همکاری صلاح الدین بیطار از اوایل دهه ۴۰ حزب بعث را بنیان گذاشت و در هفتم آوریل ۱۹۴۷ این حزب رسماً فعالیت خود را آغاز کرد. با این حال در زمان کودتای صالح جدید (فوریه ۱۹۶۶) در سوریه بود که الارسوزی به سان "پدر معنوی" حزب بعث مطرح شد. اقدامات رژیم صالح جدید عمدتاً با هدف تضعیف اقتدار میشعل علق و صلاح الدین بیطار انجام می شد که این هر دو در زمره پدران بنیان گذار حزب بعث بودند. افزون بر این، از "رخ نمودن" یا "احیای" الارسوزی به مثابه طرحی سیاسی برای مشروعیت بخشیدن بر تفوق علوی هابری سیاست داخلی سوریه به ویژه پس از به قدرت رسیدن حافظ اسد در نوامبر ۱۹۷۰ انتقاد می شود. ۲- حزب بعث غیر از سوریه در دیگر کشورهای عرب شاخه های فعالی را تأسیس کرد، از جمله شاخه دانشجویی حزب بعث در دانشگاه آمریکایی بیروت اما اولین شعبه آن در سال ۱۹۴۸ در اردن فعال شد. در سال ۱۹۴۹ در لبنان و در سال ۱۹۵۰ در عراق، حتی در سال ۱۹۵۴ عبد... الریمای، رهبر حزب در اردن به مقام وزارت امور خارجه رسید. در عراق حزب بعث در سال ۱۹۵۷ با احزاب دموکراتیک ملی - استقلال کمونیست ائتلاف و زمینه کودتا علیه رژیم سلطنتی هاشمی را فراهم کرد.

ویژه نامه نوروزی
روزنامه خراسان
فروردین ۱۳۹۲

سپاس